



۲۰۲۰/۰۷/۰۸



غوټ جانباز

## اسرار دیپلوماسی

تاریخ روابط دو جانبه افغانستان و ایالات متحده امریکا

(۱۹۵۵-۱۹۱۹)



قسمت نهم

نویسندگان: - گ. یژوف - پ. کرپینکو

مترجم: غوث جانباز ترجمه و تخلص: غوث جانباز

فصل دوم

امریکا افغانستان را به رسمیت می شناسد  
افزایش توجه ایالات متحده امریکا به افغانستان در آستانه و طی سالهایی جنگ دوم جهانی

■ به همین دلیل مهم ترین کمک کنندگان افغانستان از سال ۱۹۳۵ بدینسو آلمان (که گذشته استعماری در آسیا نداشت)، ایتالیا (که تلاش می کرد تا انحنای برلین - روم را ایجاد نماید) و جاپان بودند. روابط افغانستان مخصوصاً با آلمان به سرعت رو به انکشاف بود. آلمان به افغانستان کمک های اقتصادی و تخیکی که در برگیرنده اعمار بندها و ستیشن های تولید برق بود مبذول میداشت. یک شبکه مختلط از متخصصین آلمانی که مشمول ماهرین امور سروی، مطالعه و جستجوگری بود به ولسوالی نورستان افغانستان سفر کرد. نتایج ابتدایی سروی ها و مطالعات در نورستان از طرف آلمان ها امیدوار کننده خوانده شد. اما تمام این فعالیت ها، زحمات و نتایج بدست آمده همراه با کسانی که آنرا پیش می بردند طی سال هایی جنگ دوم جهانی از بین رفتند. آلمان عجالتاً پُر نفوذ ترین کشور در افغانستان بود. کمپنی هوا پیمایی "لوفت هانزا" در نظر داشت خط هوایی "برلین - پکن" را ایجاد کند (حکومت آلمان آرزو داشت از این طریق راه به

طرف شرق گشوده شود). در چهار چوب طرح مذکور، از سال ۱۹۳۷ پروازهای منظم (هفته یک مرتبه) به مسیر برلین - کابل به راه انداخته شد. در شرایط آن زمان (اگر مسیر هوایی تاشکند - کابل را در نظر نگیریم) فعالیت آلمان ها به راستی هم انقلابی در عرصه ترانسپورت هوایی بود. دسته از زمین شناسان آلمانی در سال ۱۹۳۷ در پکتیا شروع به کار نمود. کمپنی "زیمینس" روابط دایمی خود را با افغانستان تأمین کرد. "زیمینس" توانست قبل از شروع جنگ دوم جهانی مواضع قابل ملاحظه ای در افغانستان بیابد. (۹) کمپنی "زیمینس" مواضع خود را پس از جنگ نیز در افغانستان حفظ کرد. "زیمینس" نقش مهمی را در ترویج صنعت برق افغانستان و صدور لوازم برقی به این کشور بازی می کرد.

جرمن ها آموزش کدرهای افغان را نیز از یاد نمی بردند. آنها لیسه ذکور امانی (نجات) را در کابل ایجاد نموده و شاگردان صنوف بالا در آن درس را به زبان آلمانی فرا می گرفتند. هزاران جوان افغان لیسه امانی را به اتمام رسانیدند. متعلمین ممتاز این لیسه پس از فراغت برای تحصیلات عالی بدون پرداخت هزینه به آلمان اعزام می شدند. بسیاری از وزرای کابینه های بعدی افغانستان بدون مشکل و با فصاحت به زبان آلمانی تکلم می نمودند و به اصطلاح "نفوذی های" ارزش ها و ترویج تخنیک آلمان در افغانستان بودند. شبکه های اطلاعاتی جرمنی به منظور جلب حمایت افغان ها تأکید می کردند که در صورت پیروزی جرمن ها در جنگ، تمام زمین هایی را که برتانوی ها از افغان ها غصب نموده اند به آنها برگردانده خواهد شد. انصافاً تبلیغات جرمن ها نتایج خوب در پی داشت. به طور مثال وزیر دفاع افغانستان محمد داوود خان به سفارت اتحاد شوروی در کابل صرف پس از شکست آلمان در جنگ ستالینگراد (شهری در جنوب روسیه امروزی) سر زد. یعنی وقتیکه نتایج جنگ دیگر هیچ گونه شک و تردیدی به نفع متحدین باقی نمی گذاشت. پیلوت های موسسه "لوفت هانزا" در فضای افغانستان، ایران و ترکیه با آزادی تمام پرواز می کردند و از شهرها، مواصلات، میدان های هوایی، قله های کوه، جهیل ها و سایر اهداف در کشورهای فوق الذکر تصویر برداری دقیق و مورد نظر را بعمل می آوردند. تصاویر اکتشافی مذکور به دفتر لوی درستیز قوای مسلح آلمان موقع داد تا اطلس محرمی را که در برگیرنده خطوط مفصل پروازها از طریق کشورهای نامبرده الی کراچی و چین شمالی باشد، به چاپ برساند.

در شروع جنگ جهانی دوم تعدادی جرمن ها در کابل و در کُل در افغانستان بیشتر از سایر خارجی ها بود. جمعیت ایتالوی ها و جاپانی ها نیز رو به افزایش بود. در بسیاری از موارد فعالیت هایی این کشورها زیاد مثمر نبود.

بطور مثال بندهای کوچک آب و پُل هایی که در چهار چوب پروژه های آبیاری به همکاری آنها اعمار می گردیدند عاری از کیفیت و مقاومت لازم می بودند، بندها و پُل ها پس از وقوع اولین سیلاب ها از بین می رفتند. ولی روی هم رفته نفوذ آلمان و متحدین آن، منجمله تأثیرگذاری سیاسی آن بالای افغانستان رو به افزایش و گسترش بود.

■ مقارن همین زمان، جاپان نیز به فعالیت هایش در افغانستان رنگ و بوی جدیدی بخشید. اولین دسته ای از محصلین افغان در سال ۱۹۳۶ برای آموزش فن معدن شناسی به جاپان اعزام گردید. (۱۰)

### پس از درگیری جنگ دوم جهانی، محمد ظاهرشاه، پادشاه افغانستان بی طرفی دولت خود را در این جنگ اعلام کرد.

اما حضور آلمان ها و متحدین آنها در افغانستان رو به افزایش بود. در میان جرمن های که در افغانستان اقامت داشتند مأمورین شبکه های استخباراتی آن کشور به کثرت دیده می شدند. مأمورین مذکور وظیفه داشتند قیام های مسلحانه را در قلمرو اتحاد شوروی و هند برتانوی تحریک و دامن بزنند. نفوذ روز افزون جرمن ها در آن زمان منحصر به قشر با سواد افغان نبود. بسیاری از افغان ها به دلیل آنکه آلمان در دوره های مختلف تاریخ، گاه با برتانیة کبیر و گاه هم با روسیه جنگیده است به طور غیر آشکار از جرمن ها پشتیبانی می کردند.

در چنین یک اوضاعی، اتحاد شوروی و برتانیة کبیر (که پس از تهاجم جرمن ها بر قلمرو اتحاد شوروی پیمان دوستی بسته بودند) در اکتوبر ۱۹۴۱ از حکومت افغانستان خواستند تا تمام اتباع کشورهای انحن (جرمنی، ایتالیا، جاپان) را که فاقد مؤقف دیپلماتیک باشند از خاک افغانستان بیرون بسازد. رهبری افغانستان به خاطر بیرون رفت از این معضل، مهارتی خاصی به خرج داد. حکومت شاهی افغانستان به خاطر آنکه با حکومت آلمان مواجه نگردد، از تمام طرفین درگیر در جنگ خواست تا پرسونل غیر دیپلماتیک خود را از قلمرو افغانستان بیرون بسازند. فیصله مذکور اتباع کشورهای مخالف آلمان را به دلیل اندک بودن جمعیت شان در افغانستان عملاً در بر نگرفت. در حالیکه تعداد آلمان ها در زمان مورد بحث در افغانستان به ۱۸۰ نفر می رسید. صرف ۱۰ تن از این جمله، مشمول مؤقف دیپلماتیک می شدند، متباقی جبراً قلمرو افغانستان را ترک کردند. (۱۱)

ایالات متحده آمریکا از وقایعی که در افغانستان و پیرامون آن در این زمان رخ می دادند خود را به حاشیه رانده بود. افزون بر آن، تحکیم مواضع دول انحن تا اندازه معینی نتیجه ضعف و در برخی از موارد از بابت بی اعتنایی آمریکا بود. در عین حال، آمریکا پس از استقرار روابط دیپلماتیک با کابل برای افغانستان دلخواه ترین همکار سیاسی و اقتصادی بود. جانب افغان تلاش میکرد سرمایه گذاری های آمریکا را در اقتصاد خود جلب نماید. هنگام مسافرت "ویلیام هورنبریوک"، سفیر غیر مقیم ایالات متحده آمریکا به کابل در می ۱۹۳۵ وزیر امور خارجه افغانستان کوشش زیاد کرد تا توجه سفیر را به سرمایه گذاری در صنعت نفتی افغانستان جلب نماید. جانب افغان به امتیازات معین در زمینه به امریکائی ها اشاره می کرد. وزیر

امور خارجه افغانستان تاكيد مي نمود كه بنا بر دلايل معلوم الحال حكومتش نمي تواند امتيازات مذكور را به اتحاد شوروي يا برتانيه كبير بدهد. در عين حال واگذاري امتيازات به كشورهاي همچو آلمان يا جاپان از طرف شوروي و انگلستان يك عمل غير دوستانه تلقى خواهد شد. (۱۲) حقايق متذكرة مي رساند كه رهبري افغانستان از همان شروع تا مبن روابط ديپلوماتيك با واشنگتن به استقرار مناسبات اقتصادي با امريكا اهميت زياد مي داد. متشبهين و تجار امريكايي در تفاوت با حكومت آنكشور و حتى به علامت مخالفت با پاليسي حكومت دلچسپي خود را در مورد افغانستان بيشتري و فعالتر مي ساختند.

در نتيجه فعاليت هاي حكومت افغانستان و حلقهات تجاري امريكا، به تاريخ ۲۰ نوامبر ۱۹۳۶ در برلين حكومت افغانستان و مؤسسه جستجوگر نفت امريكا "اينلند ايكسپلوريشن كمپني" (منبعد براي اختصار "كمپني") كه مقر آن در ايالت "ديلاوير" امريكا بود موافقتنامه را در رابطه به واگذاري امتيازات در عرصه نفت به "كمپني" به امضاء رساندند. مذاكرات به خاطر انعقاد معاهده مذكور سه سال دوام پيدا كرد. موافقتنامه را از جانب افغانستان وزير امور خارجه كه بلافاصله پس از ختم اجلاس "جامعه ملل" به برلين آمده بود به امضاء رساند.

از جانب امريكا نقش مهم را در انعقاد معاهده متذكرة "چارلز هارت" سفير اسبق آنكشور در دولت هاي آلبانيا و ايران و همچنان "فردريك كليپ" كه در سال ۱۹۲۷ مشاور امور نفتي در حكومت ايران بود بازي كردند. "چارلز هارت" و "فردريك كليپ" موافقتنامه را از جانب امريكا به امضاء رسانيدند. ايندو ديپلومات سابقه دار امريكايي منحيث نمايندگان شركت "اميريكن اويل كمپني" موافقتنامه مشابه را با ايران نيز امضاء نمودند. (۱۳)

\*\*\* \*\*

(۴۲)

- پروسه و تسويد و ترتيب موافقتنامه با افغانستان خصوصيات آتي را در برداشت :
- ۱. "اينلند كارپريشن" بلوسيله اسهام كمپني هاي "سيبورد اويل كمپني"، "تكزاس اويل كمپني"، "كنيس اند پامپرووي" و "فيشر برارزس" ايجاد گرديده بود.
- ۲. حكومت امريكا در تسويد و ترتيب موافقتنامه با افغانستان اشتراك نورزيده بود. سفير امريكا در برلين صرف از جريان مذاكرات و امضاي موافقتنامه باخبر ساخته شده بود.
- ۳. حكومت افغانستان حضور و هرگونه منافع ايتاليا و آلمان را در موافقتنامه بصورت قطع رد ميكرد.
- ۴. روند مذاكرات ميان افغانستان و امريكا تحركات فعالتي را از سوي وزارت خانه هاي امور خارجه اتحاد شوروي و آلمان به منظور برهم زدن موافقتنامه برانگيخت. (۱۴)

حکومت افغانستان که برای جلب سرمایه گذاری های امریکا علاقمند و مصمم بود، شرایط مناسبی را به خاطر فعالیت "اینکلند کارپریشن" ایجاد کرد. متن موافقتنامه در نکات اساسی خویش، در حقیقت کاپی قرارداد "کمپنی انگلیس - ایران" با دولت ایران بود (منظور قرار داد ۱۹۳۳ است)

### ■ نکات برجسته موافقتنامه را میتوان قرار ذیل برشمرد :

- "کمپنی" مکلف بود در جریان هشت ماه پس از تأیید موافقتنامه از جانب دولت افغانستان، از کشورهای همسایه مجوز اعمار پایپ لاین و استفاده از آن را به دست بیاورد.  
(هدف ایران است)
- طی یک سال پس از کسب مجوز اعمار پایپ لاین، "کمپنی" به سروی و سائر فعالیت های جستجوگرانه می پردازد. به عبارۀ دیگر قبل از امضای موافقتنامه "کمپنی" با جانب ایران به تفاهم مقدماتی رسیده بود.
- - قبل از به پایان رسیدن سال اول فعالیت های سروی، "کمپنی" مکلف بود پنج ولایت را برای ادامۀ فعالیت خود انتخاب نماید. این بدان معنی بود که موافقتنامه پنج ولایت را احتوا می کرد. این انتخاب از طرف "کمپنی" باید پس از ختم سروی و فعالیت های جستجوگرانه طی یک سال صورت می گرفت.
- - "کمپنی" مکلف بود در جریان یک سال پس از انتخاب پنج ولایت کار حفر حد اقل یک چاه را شروع کند.
- - در صورت کشف ذخایر نفت صنعتی، "کمپنی" وظیفه داشت در اسرع وقت استخراج آن را سالانه به الی شش میلیون تُن برساند.
- - ایجاد شرکت های عرضه خدمات در عرصه های راه آهن، تلفون، تلگراف، رادیو... صرف پس از کسب مجوز حکومت افغانستان امکان داشت.
- - "کمپنی" مکلف بود در بدل یک تُن نفت ۴ شیلینگ به حکومت افغانستان بپردازد. در این میان مهم نبود که نفت در داخل افغانستان مورد استفاده قرار گرفته یا به خارج صادر شده باشد. در صورتیکه مفاد سهام ۵ فیصد از حجم مجموعی سرمایه گذاری افزایش یابد، "کمپنی" مکلف می گردید ۲۰ فیصد از حجم افزایش یافته را به جانب افغان بپردازد. در عین حال طی دور دوم معیاد پنج ساله پس از تأیید موافقتنامه از طرف دولت افغانستان به این کشور سالانه باید حد اقل ۲۵۰ هزار پوند سترلینگ پرداخته می شد و متعاقباً طی سال هایی بعدی پرداخت های سالانه نباید پائینتر از ۴۵۰ هزار پوند سترلینگ می بودند. (قابل

تذکر است که در قرارداد کمپنی "انگلیس - ایران" با ایران، مفاد حد اقل سالانه ایران مبلغ ۷۵۰ هزار پوند سترلینگ تعیین شده بود.)

در بدل رفع مالیات، "کمپنی" همچنان مکلف می گردید طی ۱۵ سال اول، در صورت استخراج نفت بیشتر از شش میلیون تُن از هر تُن ۹ پینس بپردازد و ۶ پینس هرگاه حجم استخراج بالاتر از شش میلیون تُن می بود. پس از اتمام دوره سی ساله، طرفین موافقتنامه تعهد می نمودند تا به تجدید نظر در شرایط پرداخت ها بپردازند.

بر مبنای موافقتنامه، جانب افغانستان حق داشت از فعالیت های تخنیکی "کمپنی"، منجمله به کمک متخصصین خارجی تفتیش بعمل بیاورد. لیکن متخصصین خارجی باید صرف اتباع ایالات متحده امریکا می بودند. حکومت افغانستان اجازه داشت نماینده خود را در دفتر مرکزی "کمپنی" بگمارد. "کمپنی" به نوبه خود تعهد میکرد تا حد اکثر کارمندان خود را در داخل افغانستان از جمله خود افغان ها انتخاب نماید.

ادامه دارد

\*\*\* \*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!